

بایسته ها و اقسام گردشگری از منظر روایات

علی جمعه حیدری^۱

چکیده:

اسلام به عنوان کامل ترین ادیان اسلامی که به تمام نیازمندی های جسمی و روحی انسانها توجه دارد و بهترین راهکارهای چگونه زیستن را بیان نموده است یکی از موضوعاتی که در آیات و روایات متعدد آن را مورد تأکید قرار داده است ، مسأله ی مسافرت و گردشگری است ؛ زیرا در کیفیت بخشیدن به زندگی اجتماعی ، مسافرت و گردشگری از لوازم لاینفک زندگی است. از این رو ، مقاله ی حاضر ، با تحقیق کتابخانه ای بایسته های گردشگری از منظر روایات را ، مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که گردشگری ، با حوزه های مختلف اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و بین المللی مرتبط است و شناخت درست و دقیق مؤلفه های آن و برنامه ریزی هدفمند برای رونق بخشیدن به این صنعت ، در رشد و شکوفایی حوزه های مذکور نیز، تأثیر گذار است. و گردشگری در صورتی پربار و لذت بخش تر می شود که بایسته های از سوی گردشگران رعایت گردد و روابط بین گردشگران و همسفران و همچنین با سایر مردم ، با محوریت اخلاق و رفتار انسانی و براساس تعاون و همکاری ، و مدارا و حفظ اسرار سفر باشد. همچنین رعایت بایسته های توسط شهرهای گردشگر پذیر مانند: رفتار نیک و بشردوستانه و پذیرایی عملی از گردشگران اعم از مسلمان و غیر مسلمان ، در سالم و پربار شدن گردشگری ، نقش برجسته دارد ؛ چرا که تمام انسان ها فارغ از دین و مذهب ، دارای کرامت انسانی و مستحق احترام است (مگر کسانی که با رفتار ضد انسانی خود از این قاعده استثنا شده باشند). هرچند به طور کلی گردشگری مورد تأیید و تأکید اسلام است ، ولی در عین حال از بعضی مسافرت و گردشگری مانند گردشگری که آسیب به دین و نماز انسان بزند ، نهی شده است.

کلید واژه ها : بایسته های گردشگری ، گردشگران ، آموزه های دینی ، مسافرت ، سفر ، روایات ،

بشردوستانه ، محیط زیست .

^۱ دانش پژوه سطح ۴ فقه و اصول مجتمع آموزش عالی اصفهان

مقدمه:

موضوع گردشگری که از آن در لسان روایات تعبیر به سفر شده است، یکی از موضوعات مهم و مطرح در آموزه های دینی است که برای آن آداب و احکامی فراوان بیان شده است و در کتب فقهی اقسام سفر و احکام نماز و روزه ی مسافر از مباحث دامنه دار و گسترده است. همچنین در کتاب های آداب بابی تقریباً مفصل در بیان آداب سفر و گردشگری اختصاص داده شده است که از یکسو اهمیت این موضوع را بیان می کند و از سوی دیگر مبتلابه بودن آن را به نمایش می گذارد.

بنابراین ، گردشگری یکی از پدیده های مهمی است که با بخش های مختلف زندگی اجتماعی انسان ارتباط دارد و از رونق گرفتن صنعت گردشگری متأثر می شود ؛ زیرا با رونق گرفتن این صنعت و جذب توریست از اطراف و اکناف عالم و برخورد خوب ، انسانی و بشردوستانه با آنان ، هم اقتصاد رونق می گیرد ، هم تبادل فرهنگی سالم صورت می گیرد و هم از نظر وزانت و وجهه ی بین المللی در جایگاه بالاتری قرار می گیرد. همچنین بازخوانی آموزه های دینی در ارتباط با گردشگری و سرلوحه ای عمل قرار دادن آن آموزه ها ، گردشگری و مسافرت را پربار و مفید می سازد . مقاله ای که در پی می آید برخی از این آموزه ها را در قالب سه فصل مورد بررسی قرار داده است. در فصل اول بایسته های گردشگری که مربوط به گردشگران می شود تبیین و توضیح داده شده ، در فصل دوم بایسته های گردشگری که مربوط به شهرهای توریستی و گردشگری پذیر می شود به بحث و بررسی گرفته شده و سرانجام فصل سوم برخی از گردشگری های غیر مجاز را مورد واکاوی قرار داده است .

کلیات بحث**۱) مفهوم شناسی واژه ها :**

به نظر می رسد دوواژه از واژه های عنوان مقاله نیاز به مفهوم شناسی داشته باشد و آنها واژه های «بایسته» و «گردشگری» هستند ؛ لذا به مفهوم شناسی مختصر آن دو اشاره می کنیم:

الف) بایسته : به معنای لازم ، ضروری ، واجب ، و... (دهخدا ، واژه بایسته). بنابراین ، «بایسته های گردشگری» یعنی آن اعمال و موضوعاتی که لازم است ، هم از سوی گردشگران و هم از سوی شهرهای گردشگری پذیر ، مورد توجه و عمل قرار بگیرند.

ب) گردشگری : به معنای سفر کردن به کشورها و جاهای مختلف برای دیدن و تماشا کردن ، تفریح ، توریسم ، و... (بینش سافت ، واژه گردشگری). سازمان جهانی گردشگری ، گردشگری را مجموعه کارهایی معرفی می کند که یک فرد در سفر و در مکانی غیر از محیط عادی خود برای مدتی که کمتر از ۲۴ ساعت و بیشتر از یک سال نیست، انجام می دهد و هدف آن سرگرمی ، تفریح ، استراحت، ورزش، دیدار با اقوام، کسب و کار، ماموریت، شرکت در سمینار و کنفرانس، درمان، مطالعه تحقیق، فعالیت های مذهبی و فعالیت هایی از این قبیل است. (<https://mag.eravel.com>). به نظر می رسد این تعریف گردشگری ، نسبتاً تعریف جامعی باشد که بسیاری از سفرها و رفت و آمد های خارج از محیط عادی شخص را ، شامل می شود.

۲) اهمیت گردشگری: آموزه های حیات بخش دینی برای مسافرت و گردشگری اهمیت خاصی قایل اند و در آیات و روایات زیادی به مسافرت و گردشگری توصیه شده است، در قرآن کریم با کلماتی مانند: «سیرُوا فِي الْأَرْضِ» (آل عمران/ ۱۳۷، انعام/ ۱۱، نحل/ ۳۶، نمل/ ۶۹، روم/ ۴۲، و...)، «فَامْشُوا» (ملک/ ۱۵)، فانظروا، و... دستور به گردشگری می دهد و در روایات باتعابیر: «سبحوا» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸۹)، «سافروا» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۴۵)، «سیر» (ابن شعبه حرانی، ص ۶۹)، «سیروا» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۵۷). و...، به این مطلب توصیه شده است. این تعدد و اختلاف تعابیر برای تشویق و توصیه به گردشگری و عبرت گیری از آن، از اهمیت این موضوع در آموزه های دینی حکایت می کند.

۳) اقسام گردشگری: هر چند گردشگری اقسام زیادی دارد مانند: گردشگری، تجاری، فرهنگی، اقتصادی، علمی، تفریحی، تاریخی، درمانی و...، اما در این مقاله مراد از اقسام گردشگری، گردشگری های مجاز و غیر مجاز است؛ زیرا در آموزه های دینی هم به سیر و گردش در زمین توصیه شده است و هم از بعضی مسافرت ها نهی شده است. به طوری کلی همه گردشگری ها مجاز است مگر اینکه دلیل شرعی بر عدم جواز آن وجود داشته باشد. در ادامه براساس روایات به چند گردشگری غیر مجاز اشاره می کنیم. همچنین بایسته های گردشگری را می توان به دو بخش تقسیم کرد: ۱) بایسته های که لازم است مسافران و گردشگران آنها را رعایت کنند؛ ۲) بایسته های که مربوط به اهالی شهرهای توریستی و گردشگرپذیر می شود؛ هر کدام از این بایسته ها را به طور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می دهیم:

اول: بایسته های گردشگری مربوط به گردشگران:

۱-۱) خوش اخلاقی و حسن معاشرت با همسفران:

یکی از باید های مسافرت و گردشگری خوش اخلاقی و حسن معاشرت با همسفران خود در طول گردشگری است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «خوش اخلاقی و خوش مشربی با همسفران و فروشنانندن خشم، از آداب و بایسته های سفر است». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۲۷). به طور کلی خوشرویی و خوش اخلاقی در فرهنگ دینی و عرفی از اهمیت ویژه برخوردار است و باعث محبوبیت شخص و تعاملات بهتر و بیشتر در زندگی اجتماعی می شود، از این رو در آموزه های دینی به خوش اخلاقی و خوشرویی، زیاد سفارش شده. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۴). و یکی از علایم مؤمن خوشرویی و حسن معاشرت بیان شده است. «الْمُؤْمِنُ بُشْرُهُ فِي وَجْهِهِ». (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳).

به طور طبیعی در مسافرت و گردشگری سروکار مسافر، با انسان های مختلف و دارای عقاید و مذاهب متفاوت است. و کیفیت رفتار و برخورد انسان، چه با همسفران خود و چه با سایر مردم، نقش اساسی در چگونه شدن و چگونه گردیدن آنها دارد؛ لذا اگر رفتار انسان با همسفر، با خوش اخلاقی و خوشرویی باشد، آنها را تحت تأثیر قرار داده و ممکن است زمینه ساز هدایت و خوشبختی آنها شود؛ چنانکه رفتار خوب و اخلاق محور

امیرمؤمنان علی علیه السلام با همسفر ذمی ، باعث هدایت و گرویدن او به دین مبین اسلام گردید. (کلینی، ۱۴۰۷ ق ، ج ۲ ، ص ۶۷۰).

اما اگر برخورد با همراهان گردشگر ، با بد اخلاقی و بد رفتاری توأم شود ، بدون شک اثرات منفی برجا می گذارد و چه بسا ممکن است به کینه توزی و انتقام گیری منجر شود.

(۱-۲) همکاری و خدمت رسانی به همراهان:

به طور کلی توصیه و تأکید اسلام (در هر زمان و مکان و با تمام انسان ها فارغ از دین و مذهب) بر مهرورزی و تعامل و تعاون براساس تقوا و نیکوکاری است (ماید/۲) ، مگر دسته های خاصی که خودشان را به خاطر عقاید منحرفه و رفتارظالمانه و ضد عقلانیت و انسانیت خود ، از این دایره خارج کرده باشند ، مانند کفار حربی و فرقه های ضاله ای که در ستیز و دشمنی با اسلام و مسلمانان باشند.

اما این تعاون و همکاری با مسافران و گردشگرانی که از شهر و دیار ، و خانه و کاشانه خود دور هستند ، اهمیت مضاعف می یابد و مورد تأکید بیشتر اسلام است ، لذا یکی از مواردی مصرف زکات ، برای در راه ماندگان (ابن السبیل) و مسافرانی بیان شده است که در سفرشان نیازمند کمک شده اند. (توبه/ ۶۰).

بنابراین ، یکی دیگر از بایدهای گردشگری و مسافرت این است که انسان سعی کند در طول گردشگری ، همکار و خدمت رسان به همراهان و همسفران خود باشد ؛ زیرا این کار ، آن چنان از جایگاهی بالا برخوردار است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف مخلوقات و گل سرسبد عالم است ، در سفر باهمسفرانش همکاری می کردند. چنانکه نقل شده است در سفری فرمود: گوسفندی ذبح کنند، هر کدام از اصحاب یک کاری را به عهده گرفت ، حضرت فرمود: من هیزم جمع میکنم، گفتند: یا رسول الله شما زحمت نکشید ، ما کار شما را انجام می دهیم، حضرت فرمود: می دانم ، ولی خداوند از بنده ای که در میان همراهان برای خود امتیاز و تشخیصی قائل شود ، بدش می آید، برخاست و به جمع آوری هیزم پرداخت. (طبرسی، ۱۴۱۲ ق ، ص ۲۵۲).

همچنین « امام سجاده علیه السلام باکسانی سفر می کرد که او را نمی شناختند و شرط می کرد که از خدمت گزاران شان باشد». (ابن بابویه ، ۱۳۷۸ ، ج ۲ ، ص ۱۴۵).

بنابراین ، براساس روایات و سیره ی معصومین علیهم السلام ، همکاری با همسفران یکی از بایسته های سفر و گردشگری است.

(۱-۲-۱) پاداش همکاری با مسافران و گردشگران :

در آموزه های دینی به طور عام ، مردم به عنوان نان خور و عیال خدای سبحان دانسته شده و محبوب ترین انسانها نزد خداوند کسی است که بر مردم لطف و احسان بیشتر نماید و برای رفع نیازهای آنان ، بیشتر تلاش کند. (کلینی ، ۱۴۰۷ ، ج ۲ ، ص ۱۶۴ . و به طور خاص برای کمک و همکاری به مسافران و گردشگران ، اجرو پاداش فراوان وعده داده شده است . چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند: « مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَ سَبْعِينَ كَرْبَةً وَ أَجَرَهُ مِنَ النِّعَمِ وَ الْهَمِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ... ، کسی که مسافر مؤمنی را یاری نماید خداوند هفتاد و سه مشکل او را برطرف و او را از گرفتاری و غصه ی دنیا و آخرت پناه می دهد و...». (طبرسی، ۱۴۱۲ ق ، ص ۲۶۶).

ظاهر این روایت نشان می دهد که کمک به مسافران و گردشگران ، مقید به نیازمندی آنها نیست بلکه در هر شرایطی کسی بتواند به آنها کمک نماید ، این آثار و اجرو پاداش دنیوی و آخروی را به دست می آورد. کمک رسانی به مسافران و گردشگران همراه خود ، از اهمیت بالا برخوردار است ، حتی در برخی روایات ، از مشغول شدن به ورد و ذکر الهی ، برتر معرف شده است ، چنانکه در روایتی می خوانیم: در محضر رسول خدا ﷺ نام مردی به میان آمد، حاضران از او تعریف کردند و گفتند: یا رسول الله! او با ما به سفر حج بیرون آمد، هرگاه فرود می آمدیم، همواره ذکر خدا می گفت تا وقتی که حرکت می کردیم، و زمانی که حرکت می کردیم، پیوسته ذکر خدا را می گفت تا موقعی که فرود می آمدیم، حضرت پرسید: پس چه کسی علف مرکبش و غذای خودش را فراهم می آورد؟ گفتند: همه ما، حضرت فرمود: «كُلُّكُمْ خَيْرٌ مِنْهُ ، همه شما بهتر از او هستید». فضل بن حسن طبرسی ، مکارم الاخلاق ، ص ۲۶۵ .

یعنی کسانی که به آن شخص دایم الذکر خدمت رسانی کرده اند ، از او که همیشه مشغول ذکر خدا بوده است ، بهتر و مقام شان بالا تر اند.

۳-۱) شادابی و شوخ طبعی :

اسلام به عنوان کامل و جامع ترین ادیان آسمانی ، برای تأمین همه نیازهای بشر، راهکار و برنامه دارد ، از جمله درباره ی رفتار و تعاملات اجتماعی ، بهترین آموزه هارا به ارمغان آورده است ، مثلا در زمینه برخورد های اجتماعی ، شوخ طبعی و مزاح و شاد کردن مؤمن را مشروط به این که به حرامی منجر نشود و کسی مورد توهین و تحقیر قرار نگیرد ، مورد تأیید قرار داده و بلکه آن را به منزله شاد کردن خدا ، پیامبر خدا و امامان معصوم علیهم السلام معرفی می کند. (کلینی، ۱۴۰۷ق ، ج ۲ ، ص ۱۹۲).

معلوم است که در مسافرت و گردشگری ، شوخ طبعی و مزاح معقول با همفسران ، اهمیت مضاعف می یابد ؛ لذا می توان آن را یکی از باید های گردشگری به حساب آورد، چنانکه امام صادق علیه السلام شوخ طبعی و مزاحی را که موجب غضب خدای سبحان نشود ، یکی از علایم مروت و جوانمردی در سفر بیان می کند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق ، ج ۲ ، ص ۲۹۴). و از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده است که فرمودند: «توشه مسافر خواندن سرود و شعر است ، مادامی که یاوه و بیبیهوده نباشد». (طبرسی، ۱۴۱۲ق ، ص ۲۶۷).

از اینکه سرود و شعر غیر مبتذل ، زاد و توشه مسافر و گردشگر معرفی شده است ، به خوبی معلوم می شود که یکی از بایسته های گردشگری ، مزاح و شوخ طبعی با همسفران و شاد کردن آنها به شمار می رود ؛ زیرا سرود و شعر، نمادی از شاد بودن و نشاط داشتن در سفر است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لقمان به فرزندش گفت: [در مسافرت و گردشگری] به روی همسفران خود بسیار تبسم کن و نسبت به توشه ات بخشنده باش». (کلینی ، ۱۴۰۷ق ، ج ۸ ، ص ۳۴۸). و خداوند کسی را که در میان جمعی شوخی و خوشمزگی نماید ، دوست دارد در صورتی که فحشی در میان نباشد. (همان ، ج ۲ ، ص ۶۶۳).

۴-۱) بذل و بخشش به همراهان و همسفران :

جود و بخشش که یکی از اعمال بسیار نیکو و از اخلاق انبیاء: «السَّخَاءُ خُلُقُ الْأَنْبِيَاءِ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق ، ص ۴۶). زینت انسان و عامل رویش محبت است «السَّخَاءُ زِينُ الْإِنْسَانِ» و «السَّخَاءُ يَزْرَعُ الْمَحَبَّةَ». (لیثی واسطی ، ۱۳۷۶ ، ص ۲۷ و ۶۲)، در آموزه های دینی ، یکی از بایسته های مسافرت و گردشگری

معرفی شده است. چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید: « وَ بَدَلُهُ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ ، [یکی از مروت و آداب سفر] بذل و بخشش کردن به همراهان خود است». (ابن بابویه ، ۱۴۱۳ق ، ج ۲ ، ص ۲۹۴). باتوجه به اهمیت فوق العاده ای سخاوت و گشاده دستی در زندگی اجتماعی است که در آموزه های دینی از آن تمجید و نسبت به آن زیاد توصیه شده است. (مجلسی ، ۱۴۰۳ق ، ج ۶۸ ، ص ۳۵۰ - ۳۵۷).

هرچند سخاوت و بخشش در هرحال و همه جا امر پسندیده است ؛ ولی در سفر باتوجه به ماهیت آن که گاهی نیاز شدید ، به جود و بخشش پیدا می شود ، این کار دارای اهمیت فوق العاده می گردد. از این رو ، لازم است که انسان باهمسفران خود بذل و بخشش داشته باشد. البته توجه به این نکته لازم است که همان طور که آموزه های دینی به بذل و بخشش توصیه و تأکید دارد همچنین از اسراف و ریخت و پاش های بی مورد و غیر ضروری هم به شدت نهی نموده است ، پس در بذل و بخشش نسبت به همسفران نیز ، تعادل و میانه روی باید حفظ شود.

۱- ۵) فاش نکردن اسرار همراهان و همسفران:

راز داری و افشانکردن اسرار دیگران ، از توصیه های مؤکد آموزه های دینی است ، اما این راز داری در باره ی همسفران اهمیت خاص پیدا می کند؛ زیرا در سفر انسان از بسیاری اسرار و خصوصیات اخلاقی و رفتاری همسفران خود مطلع می شوند ؛ زیرا به گردشگری و سیر در زمین که سفر گفته شده است به این دلیل است که سفر بسیاری از ویژگی های اخلاقی و رفتاری همراهان را برای انسان مکشوف و روشن می سازد (چنانکه تفسیر که با سفر از یک ماده وهم خانواده هستند اهداف ، پیامها و مرادجدی آیه را روشن و آشکار می کند لذا تفسیر را به معنای « کشف القناع عن وجه الایه » می گویند)، از این رو ، اسلام جهت حفظ کرامت و حرمت انسانی انسانها ، به راز داری به طور عموم و راز داری همسفران به طور خاص ، توصیه می نماید. چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید: « وَ كَيْفَ تَكُنْ عَلَى الْقَوْمِ أَمْرَهُمْ - بَعْدَ مُفَارَقَتِكَ إِيَّاهُمْ ؛ [از بایسته های سفر] رازداری و پرده پوشی همسفران است بعد از جدا شدن از آنها ». (ابن بابویه ، ۱۴۱۳ق ، ج ۲ ، ص ۲۹۴). بنا براین ، یکی دیگر از بایدهای مسافرت و گردشگری که در آموزه های دینی نسبت به آن سفارش شده است ، راز داری اسرار سفر است

۱- ۶) انتخاب رفیق همطراز در گردشگری :

یکی دیگر از بایسته های گردشگری این است که انسان با کسانی به گردش و مسافرت بروند که از نظر مالی با او هم سطح باشند. زیرا مسافرت با همسطح مالی خود باعث عزت و خود باوری انسان می شود. اما اگر این تساوی اقتصادی رعایت نشود و کسی با غیر هم طراز خود به گردشگری و مسافرت برود ؛ به گونه ای که نتواند مانند او مصرف کند ؛ در واقع باعث خواری و ذلت خود شده است. ، چنانکه از ابوبصیر نقل شده است که : به امام صادق علیه السلام عرضه داشتیم ، جایز است انسان با مردمی پولدار که نمیتواند مثل آنها خرج کند به سفر رود؟ حضرت فرمود: دوست ندارم که مؤمن خود را ذلیل کند ، بلکه با همطرازان خود سفر نماید. (کلینی ، ۱۴۰۸ق ، ج ۴ ، ص ۲۸۷). و اسلام به هیچ عنوان اجازه نمی دهد که مومن خودش را ذلیل نماید ؛ زیرا خداوند همه چیز را به مومن واگذار کرده است ، بجز ذلیل ساختن خودش را.

مسأله ای هم سطحی همسفران به لحاظ مالی در مسافرت و گردشگری؛ یکی از موضوعات مورد تأکید در روایات معصومین علیهم السلام است و فلسفه ی آن هم بیان شده است. چنانکه راوی می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: شما از حال و دست و دل بازی من نسبت به برادران مؤمنم آگاهی! در سفر مکه چند تن از آنان را با خود می برم و برایشان زیاد خرج می کنم، امام علیه السلام فرمود: چنین کاری مکن، چرا که اگر تو زیاد خرج کنی و آنها نیز زیاد خرج کنند، به آنان اجحاف کرده ای و اگر تو خرج کنی و آنها امساک نمایند، موجب ذلت و سرشکستگی آنها شده ای پس با هم سطح اقتصادی خود سفر کن. (طبرسی، ۱۴۱۲، ق، ص ۲۵۱).

۱- ۷) اهل رفق و مدارا بودن گردشگران:

بطور طبیعی مسافرت و گردشگری ممکن است گاهی با سختی و مشکلاتی همراه شود و برای همه یا برخی از گردشگران اتفاقاتی ناگواری بیفتد، در اینجاست که اگر همسفر انسان، اهل رفق و مدارا و همکاری و همدلی باشد، تحمل سختی و مشکلات آسان می شود؛ از این رو، در روایات معصومین علیهم السلام به طور غیر مستقیم توصیه شده است که با همراهان و همسفران خود با رفق و مدارا رفتار کنید. چنانکه امام صادق علیه السلام (علیه السلام) فرمود: «دو نفر که با هم مصاحب و همراه هستند آن که مدارا و رفاقتش با همسفرش بیشتر باشد، نزد خدای سبحان محبوب تر و اجرش بیشتر است». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۰). یکی از سفارش های لقمان حکیم به پسرش درباره ی آداب سفر این بوده است که: جز در نافرمانی خداوند، با همسفران خود موافق و همدل (و اهل مدارا) باش. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۰۳). بنابراین یکی از بایسته های گردشگری این است که مسافران و گردشگران با همراهان و همسفران خود بلکه با همه کسانی که با آنها در ارتباطند، اهل مدارا و گذشت باشند، تا تلخی های احتمالی سفر و گردشگری به راحتی قابل تحمل شود و فضایی صمیمیت و مهرورزی حفظ گردد.

۱- ۸) حفظ احترام متقابل:

بدون تردید، احترام متقابل بین افرادی که در یک مجموعه قرار دارند و یک برنامه ی گروهی و دسته جمعی را پیش می برند، دربقا، موفقیت و رشد و بالندگی آن مجموعه، نقش اساسی دارد، این را می توان به عنوان یک قاعده کلی تلقی نمود. گردشگری و مسافرت های چند نفری و گروهی که صورت می گیرد نیز، از این قاعده مستثنی نیست و حفظ احترام متقابل بین گروه گردشگران، تضمین کننده ی نشاط و شادابی و لذت بردن از گردشگری، خواهد بود؛ به همین جهت است که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «با کسی که برای تو به اندازه ی که تو برای او ارزش قائل هستی، احترام نمی بیند، مسافرت نکن». (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۴، ص ۲۸۶). پس یکی دیگر از بایسته های گردشگری این است که همسفران احترام متقابل را حفظ نمایند.

دوم: بایسته های مربوط به شهرهای گردشگرپذیر:

۲- ۱) رفتار نیک و بوشردستانه با گردشگران

یکی از بایسته های مهمی که براهالی شهرهای توریستی لازم است، رفتار نیک و بشردوستانه و حسن معاشرت با مسافران و گردشگران داخلی و خارجی، مسلمان و غیر مسلمان است؛ زیرا قانون عام الهی درباره ارتباط با انسانها، نیکی به آنان است؛ مسلمان باشند یا غیر مسلمان. خدای سبحان در آیات متعدد قرآن به این

قانون عام اشاره نموده است ، از جمله می فرماید: « وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا ، با مردم به نیکی سخن بگویند ». (بقره / ۸۳) ، « وَ أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ، نیکی کن چنانکه خدا به تو نیکی کرده است ». (قصص / ۷۷) ، « إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ ؛ خداوند به عدل و نیکی فرمان می دهد » (نحل / ۹۰) .

سیره قولی و عملی رسول خدا و امامان معصوم علیهم السلام نیز با مسلمان و غیر مسلمان ، بر رفتار نیک و بشردوستانه بوده است ، مگر با کسانی که با خدا و اولیاء خدا دشمنی می کردند. به عنوان نمونه ، این سخن امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به مالک اشتر که فرمودند : « وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ ... فَإِنَّهُمْ صِفَانٌ : إِمَّا أَخْ لَكَ فِي الدِّينِ ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ ، در دل خود نسبت به مردم احساس محبت بکن ، آنان را دوست بدار و با ایشان مهربان باش ، زیرا که مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تواند ، و دسته دیگر در آفرینش با تو برابرند (ای انسان ، آنها هم انسانند!) . (نهج البلاغه ، نامه ۵۳) . اوج رفتار انسانی و بشردوستانه اسلام را به نمایش می گذارد. بنابراین لازم است که با همه ی گردشگران رفتار نیک و انسانی صورت بگیرد ؛ زیرا گردشگران به دودسته تقسیم می شود: ۱) گردشگران مسلمان ؛ ۲) گردشگران غیر مسلمان . از منظر اسلام رفتاری نیک و بشردوستانه ، با هر دو دسته لازم است .

۲- ۱- ۱) مسافران و گردشگران مسلمان:

اما نیک رفتاری با دسته ی اول که جای بحث ندارد و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد که به خوش اخلاقی و حسن معاشرت و تعاون و همکاری ، بخصوص بامسافران همکیش و هم آئین (ابن بابویه ، ۱۴۱۲ق، ج ۲ ، ص ۲۹۳) ، توصیه و تأکید می کنند. مؤمنان را دوست (توبه / ۷۱) برادر همدیگر (حجرات / ۱۰) و ... معرفی می نمایند ، و همچنین مسلمانان را برادر یکدیگر می دانند (کلینی ، ۱۴۰۷ق، ج ۲ ، ص ۱۶۶) و در بعضی روایات برای مسلمان بر برادر مسلمانش ، سی حق بیان شده است. (کراجکی ، ۱۴۱۰ق، ج ۱ ، ص ۳۰۶) . هر کدام از این موضوعات ، رفتاری نیک و حسن معاشرت با همه ی مسلمانان ، از جمله گردشگران را ایجاب می کند .

۲- ۱- ۲) مسافران و گردشگران غیر مسلمان:

به طور کلی توصیه و سفارش اسلام و سیره عملی بزرگان دین ، بر رعایت عدالت و انصاف ، و رفتار نیک و بشردوستانه با غیر مسلمانانی است که قصد دشمنی ، خیانت و ضربه زدن به اسلام و مسلمانان را نداشته باشند . غیر مسلمانانی که از اطراف و اکناف عالم ، در کشورها و شهرهای اسلامی به عنوان توریست و گردشگر می آیند نیز ؛ از این قاعده مستثنا نیستند. به عنوان شاهد ، به نمونه های از این توصیه ها و سیره ی عملی اشاره می کنیم :

الف) قرآن کریم می فرماید: « لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِبُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِبِينَ ؛ خدا شما را از نیکی و عدالت ورزی به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکرده و از خانه و دیار تان بیرون نرانده اند نهی نمی کند، یقیناً خدا عدالت پیشه گان را دوست می دارد » (ممتحنه / ۸) .

این قانون عام الهی نسبت به همه بیگانگان و غیر مسلمانان است. آنان تا زمانی که به مسلمانان آزاری نرسانند و با مسلمانان نجنگند ، از آن جهت که انسانند از همزیستی مسالمت آمیز برخوردارند و این همان رعایت اصل حقوق بشر و انسان دوستی است که اسلام بزرگ ترین مدافع و منادی آن است .

البته بایستی توجه داشت که اسلام در عین حالی که به رفتار نیکو و عادلانه با غیر مسلمانان توصیه می کند ، از دلبستگی و دوستی با آنان نهی می کند.(ماید/ ۱۵ ، ممتحنه/ ۱) . لذا شایسته است که در برخورد و رفتار با گردشگران غیر مسلمان ، به این رهنمودهای اسلام توجه و عمل شود.

ب (سیره قولی و عملی معصومین علیهم السلام نیز ، بر رفتار انسانی و بشر دوستانه با غیر مسلمانان بوده است. چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید: « اگر فردی یهودی یا تو هم نشین شد ، با وی به نیکی هم نشینی کن ». (ابن بابویه، ۱۴۱۲ق، ج ۴ ، ص ۴۰۴). همچنین تهمت زدن به یهودی ، نصرانی و مجوسی را روا نمی دارد. (نوری ، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲ ، ص ۸۴). کسی حق تجاوز به حریم اهل کتاب و ورود به خانه های آنها را ندارد. (جلال الدین السیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۱ ، ص ۴۶۸). همچنین تصرف به اموال اهل کتاب و خوردن میوه های آنها بدون اجازه ، روا نیست. (جلال الدین السیوطی ، ۱۴۰۱ ، ج ۱ ، ص ۴۶۸) ، و رعایت حقوق کافر ذمی را تا زمانی که به عهد و پیمان خود وفا نماید لازم می داند (ابن بابویه، ۱۴۰۸ق ، ج ۲ ، ص ۶۲۵). اینها نمونه های از سیره قولی معصومین علیهم السلام در رابطه با رفتار بشر دوستانه با غیر مسلمانان هستند.

اما سیره عملی آن بزرگواران نیز، بر رفتار نیک و انسانی بوده است ، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از بیمار یهودی عیادت می کردند. (نوری ، ۱۴۰۸ق ، ج ۲ ، ص ۷۷). امیرمؤمنان علی علیه السلام در کوفه ، روزی با مردی ذمی همسفر شد ، علاوه بر حسن معاشرت و رفتار نیکو با او در طول سفر، هنگامی جدا شدن از او ، وی را بدرقه کرد. این کار سبب شگفتی و پرسش ذمی شد ، آن حضرت در پاسخ فرمود: پیامبر ما این گونه فرمان داده است ، کافر ذمی به خاطر این رفتار کریمانه و انسان دوستانه ی آن حضرت ، اسلام آورد. (کلینی ، ۱۴۰۷ق، ج ۲ ، ص ۶۷۰). همچنین آن حضرت وقتی پیرمرد نصرانی را دید که گدایی می کند ، با سرزنش و عتاب فرمود: تا او جوان بود و نیروی کاری داشت از او کار کشیدید ! حالا که به سن پیری رسیده رهایش کرده اید ! سپس دستور داد که از بیت المال برایش حقوق پرداخت نماید. (طوسی ، ۱۴۰۷ق ، ج ۶ ، ص ۲۹۳).

چنانکه مشاهده می شود ، هر کدام از این آموزه های معقول و منطقی ، بر لزوم رفتار نیک و بشر دوستانه با غیر مسلمانان از جمله گردشگران غیر مسلمان لزوم بیشتری می یابد ؛ زیرا از یکسو آنها مسافر و دور از خانه و کاشانه هستند ؛ از این جهت استحقاق بیشتر برای حسن رفتار با آنان پیدا می شود ، از سوی دیگر رفتار انسان دوستانه با آنان، در تألیف قلوب آنها نسبت به اسلام و مسلمانان و همچنین در خنثی سازی تبلیغات سوء و اسلام هراسی دشمنان ، تأثیر گذار است ، از سوی سوم رفتار نیکو با آنان ، تبلیغ عملی آموزه های انسان دوستانه ، معقول و منطقی اسلام به حساب می رود و مصداق این فرمایش امام صادق علیه السلام قرار می گیرد: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ ، مردمان را با اعمال خود تبلیغ کنید نه با زبانهای خود ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲ ، ص ۷۸).

۲-۲) پذیرایی از مسافران و گردشگران :

اهالی شهرها و حتی کشورهای که دارای مناظر طبیعی و تاریخی ، و دارای صنعت توریستی و گردشگری هستند ، توجه داشته باشند که توریست ها و گردشگرانی که از اطراف و اکناف عالم به شهر و کشور شان می آیند ، در واقع مهمان آنها هستند. چنانکه از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: « إِذَا دَخَلَ رَجُلٌ بَلَدَهُ فَهُوَ ضَيْفٌ عَلَيَّ مَنْ يَهَا مِنْ إِخْوَانِهِ وَ أَهْلِ دِينِهِ حَتَّى يَرْحَلَ عَنْهُمْ ، هرگاه مردی وارد شهری شد ، او

میهمان برادران و هم کیشان خود در آن شهر است ، تا آن گاه که از میان آنها برود».(کلینی ، ۱۴۰۷ق ، ج ۶ ؛ ص ۲۸۲).

از این رو مسئولان شهرها (که در حقیقت نمایندگان مردم آنها هستند) باید زمینه آسایش مسافران را فراهم آورند و به طور مناسب و شایسته ، از آنها پذیرایی و مهمانداری نمایند. از مصادیق فراهم ساختن آسایش گردشگران و مهمانداری شایسته از آنان ، می توان به ساخت هتل و اقامتگاه های مجهز به تکنولوژی روز ، ساخت و ترمیم بزرگراه ها و جاده های برون و درون شهری ، آماده سازی وسایل نقلیه مطلوب برای گردشگران ، از همه مهم تر رفتار همراه با احترام و انصاف مردم و مسئولان با آنان ، اشاره کرد.

بنابراین ، یکی از بایسته های که در موضوع گردشگری مطرح است ، پذیرایی معقول و مناسب شهرهای توریستی از گردشگران است ، وانجام این کار، نه تنها سفر را برای مسافران و گردشگران دل انگیز و بیاد ماندنی می سازد ، بلکه در جلب و جذب بیشتر توریست و گردشگران داخلی و خارجی نیز ، کمک شایان خواهد کرد.

۲ - ۳) ساخت اقامتگاه برای گردشگران :

یکی از بایسته های که در بحث گردشگری ، از سوی اهالی شهرهای توریستی باید انجام بگیرد ، ساخت اقامتگاه و اماکن استراحت مدرن و مجهز ، برای گردشگران و مسافران داخلی و خارجی است ، بایستی توجه داشت که این کار از اهمیت بالا برخوردار است ؛ زیرا علاوه بر اینکه بر رونق اقتصادی و مادی مردم کمک می کند (چرا که با اقامت گردشگران در این اقامتگاه ها ، زمینه کار و کسب برای انسان های مختلف فراهم می شود از هتل دار و مغازه دار گرفته تا رانندگان وسیله ی نقلیه ...) ، مدنیت و پیشرفت آن شهرو کشور را نیز ، به نمایش می گذارد ، چنانکه رفتار خوب و انسانی مسئولان و مردم با گردشگران ، از انسان دوستی و اخلاق مداری آن جامعه حکایت می کند.

۲ - ۳ - ۱) پاداش اخروی ساخت اقامتگاه :

چنانکه اشاره شد ، ساخت اقامتگاه برای گردشگران ، افزون بر منافع مادی ، اجرو پاداش اخروی نیز دارد ؛ زیرا براساس برخی روایات ، کسی که برای مسافران و گردشگران ، اقامتگاه و محل آسایش و استراحت بسازد ، در قیامت دارای مقام ارجمند و شافع میلیون ها انسان خواهد بود. چنانکه از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمودند: « مَنْ بَنَى عَلَيَّ الظَّرِيقَ مَأْوَى لِعَابِرِي سَبِيلِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى تَخْتٍ مِنْ دُرٍّ وَ وَجْهَهُ يُضِيءُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ نُورًا حَتَّى يُرَاجِمَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قُبَّتِهِ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ هَذَا مَلِكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَمْ يَرِ مِثْلَهُ قَطُّ وَ دَخَلَ فِي شَفَاعَتِهِ الْجَنَّةَ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ رَجُلٍ ، کسی که در کنار جاده ها، سر پناهی برای مسافران و رهگذران بسازد، خداوند در روز قیامت او را با مرکبی از درّ ، در حالی که پرتو رخسارش بر اهل محشر می تابد، برخواهد انگیخت، تا در مقام ابراهیم خلیل الرحمن عَلَيْهِ السَّلَامُ با او همنشین گردد، و اهل محشر گمان کنند که او یکی از فرشتگان خدا است، که همانند او دیده نشده است، و با شفاعت وی چهل میلیون نفر به بهشت خواهند رفت».(ابن بابویه ، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۹۱).

در روایت فوق ، واژه ای « لِعَابِرِي سَبِيلِ » قابل دقت است ؛ زیرا می توان گفت: ظاهر این واژه هر نوع مسافر و عابر را شامل می شود ، بدون در نظر گرفتن دین ، مذهب ، نژاد ، زبان ، ملیت ، رنگ ، و پس برای ساخت اقامتگاه برای هرنوع مسافر و گردشگر ، امید پاداش اخروی نیز وجود دارد. همچنین از آن حضرت نقل

شده است که فرمودند: «هرکس بنایی بسازد بی آن که در آن، مرتکب ستم یا تجاوزی شده باشد، مزدی دارد که تاوقتی مخلوقی از مخلوقات خداى مهربان از آن بهره مند می شود، آن مزد برقرار است.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۶۰).

با توجه به مطلب فوق، بر مسئولان شهرهای گردشگرپذیر و توریستی لازم است که در زمینه ای ساخت اقامتگاه های بروز و مجهز، برای گردشگران داخلی و خارجی، برنامه ریزی های دقیق و هدفمند، داشته باشند.

۲-۴) احداث پارک و گردشگاه برای گردشگران:

یکی دیگر از بایسته های گردشگری که لازم است از سوی اهالی شهرهای توریستی رعایت و اجرایی شود، احداث پارک و فضای سبز و مناظر نشاط آور برای مردم جامعه و گردشگران است، این کار علاوه بر این نقش برجسته در جذب توریست و گردشگر دارد و از مدنیت و تمدن جامعه حکایت می کند؛ در سلامت و شادابی روح و روان جامعه و گردشگران نیز، اثرات مطلوب دارد. چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «نگاه به سبزه موجب شادابی، نشاط و حیات می شود.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۴۶).

دین اسلام که به نیازمندی های جسمی و روحی، مادی و معنوی انسان ها توجه دارد، یکی از آموزه های روح بخش آن، توصیه و تأکید به ایجاد فضای سبز، پارک و تفریحگاه است. و برای سرسبزی محیط زیست و نگاه به سبزه آثار و فواید زیادی بیان نموده است. امام علی علیه السلام می فرماید: «نگاه کردن به سبزه نشاط آور است.» (صحیفه الامام الرضا علیه السلام، ص ۷۲).

همچنین ورزش و تفریح، و بازی و سرگرمی های حلال مورد تشویق و تأکید اسلام است. از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمودند: «به سرگرمی و بازی بپردازید، زیرا دوست ندارم سختگیری و خشونت در دین تان مشاهده شود.» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹). و در روایات، آثار ویژه برای تفریحات سالم و حلال بیان شده است، از جمله اینکه در انجام دیگر امور دینی و زندگی، انسان را تقویت و یاری می کند. چنانکه آن حضرت فرمودند: «خرمند اوقات روزانه اش را به چهار بخش تقسیم می کند ... بخشی از آن را برای بهره جویی از حلال قرار می دهد و این بخش قسمت های دیگر را تقویت را می کند و مایه آرامش و آسایش قلب می شود.» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۳۴).

معلوم است که تفریح و سرگرمی، بدون تفریحگاه و پارک و فضای سبز مفهوم ندارد؛ بنابراین ساخت و نگهداری اماکن تفریحی از قبیل پارک و فضای سبز، ورزشگاه، و... بطور غیرمستقیم مورد تشویق و تأکید آموزه های دینی، می باشد.

۲-۵) درختکاری و ایجاد فضای سبز:

یکی دیگر از بایسته های که در زمینه ای گردشگری لازم است مورد توجه اهالی شهرهای گردشگرپذیر قرار بگیرد کاشت و حفظ درخت های مثمر و غیر مثمر و فضای سبز است؛ زیرا درختان در سالم سازی و پاکیزگی هوا و همچنین در ایجاد نشاط و شادابی در گردشگران که به تعبیر برخی روایات مهمانان اهالی شهر هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۸۲)؛ تأثیر ویژه دارند و از مصادیق اکرام این مهمانان به حساب می آید، همان طور که به آن توصیه شده است. چنانکه رسول خدا (ص) فرمودند: «اَكْرَمُ الضَّيْفِ وَ لَوْ كَانَ كَافِرًا.» (شعیری، بی تا، ص

۸۴). از این رو ، اسلام به درختکاری ، کاشتن باغ و حفظ آنها ، اهتمام ویژه دارد به گونه ی که در برخی از روایات کاشت درخت و باغ ، به عنوان باقیات الصالحات درکنار بهترین و مقدس ترین کارهای خیر مانند: تعلیم دانش ، ساختن مسجد ، به ارث گذاشتن قرآن یا کتاب علمی سودمند دیگر و... قرار داده شده است (الهندی ، ۱۴۰۹ق ، ج ۱۵ ، ص ۹۵۳-۹۵۴).

نکته ی قابل توجه اینکه ارزش فضای سبز و درختکاری مثمر و غیر مثمر، به بهره برداری شخصی هم اختصاص ندارد ؛ بلکه کاشتن برای بهره برداری دیگران ، حتی حیوانات و پرندگان نیز، ارزش دارد ، حتی آنجا که کشاورز یا باغدار ، امیدی به حیات و بقای خود ندارد و از بهره مندی شخصی نا امید است هم ، به ایجاد فضای سبز و درختکاری ترغیب شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر نهالی در دست یکی از شماست و در آستانه برپایی قیامت به اندازه کاشتن آن فرصت دارد، آن را بکارد» (نوری ، ۱۴۰۸ق ، ج ۱۳ ، ص ۴۶۰). و نیز فرمود: «اگر مسلمانی درختی بکارد و پرند، انسان یا حیوانی از میوه آن بخورد ، برایش صدقه به شمار می آید». (همان). خلاصه این که از مطالب فوق ، اهتمام اسلام به فضای سبز، کاشت درخت به ویژه درخت های مثمر، به خوبی معلوم می شود. بنابراین یکی از بایسته های اهالی شهرهای توریستی بلکه آحاد جامعه و در تمام شهرها این است که به کاشت درخت و ایجاد فضای سبز اهمیت بدهند تا هم خودشان و هم گردشگران و مسافران داخلی و خارجی ، از آن بهره مند شوند.

۲- ۶) حفاظت از محیط زیست و سرمایه های طبیعی:

یکی از بایسته های که انجام آن هم وظیفه مسافران و گردشگران ، و هم وظیفه ی اهالی شهرهای توریستی است ، حفظ محیط زیست و آسیب نرساندن به مناظر و سرمایه های طبیعی و تاریخی است. محیط زندگی آدمی و هم موجود زنده ی دیگر، از فضای خانه گرفته تا فضای کوچه ها، خیابان ها، پارک ها، و فضاهای سبز، توقفگاه ها، جنگل ها، حاشیه نهرها، مراکز آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، عبادی، خدماتی، اداری، و... محیط زیست به شمار می آیند. بر کسی مخفی نیست که سلامت محیط زیست پیوند تنگاتنگ با حیات سالم جامعه دارد. همان گونه که درباره ی بدن، بهداشت و پیش گیری بردرمان و معالجه مقدم است، تأمین فضای سالم و محیط زیست مناسب نیز بر جبران خسارت های ناشی از تخریب محیط زیست ، مقدم است که وظیفه ی همگان را برای حفظ و سالم نگه داشتن محیط زیست ، ایجاب می کند (جوادی آملی، ...، ص ۳۸). حفاظت از محیط زیست توسط اهالی شهرها ، بدین معناست که در ساخت ، نظافت و رسیدگی به محیط زیست ، کوتاهی نکنند ، و حفاظت محیط زیست از سوی مسافران و گردشگران ، به این صورت است که از آسیب رساندن به محیط زیست و آلوده کردن آن جداً پرهیز نمایند .

درآموزه های دینی هم از آلوده کردن محیط زیست نهی شده وهم به پاکسازی آن در صورت آلوده شدن ، ترغیب و امر شده است، چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرمود: « محیط زندگی خود را نظافت کنیدی و همانند یهودان نباشید». (طبرسی ، ۱۴۱۲ق ، ص ۲۴۷).

^۱ - اسلام و محیط زیست ، ص ۳۸ .

علی رغم نظر برخی انسان های بی خبر یا مغرضی که خاستگاه حقوق بشر، حقوق زیست محیطی ، حقوق حیوانات و... را ؛ غرب و اروپا می دانند ، اسلام عزیز از پیشگامان بلکه از بنیان گذاران و فریاد گران حقوق بشر ، محیط زیست ، حیوانات ، زن ، کودک و... است. چنانکه امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ... ، تقوای الهی را پیشه سازید در باره بندگان خدا و شهرها ؛ زیرا شما در پیشگاه خداوند مسئولیت دارید حتی نسبت به سرزمین ها و حیوانات ». . نهج البلاغه ، خطبه ۱۶۷ . چنانکه مشاهده می شود حضرت علی علیه السلام به صراحت از حقوق زیست محیطی و حقوق حیوانات سخن گفته است . پس هم بر گردشگران و مسافران ، و هم بر مردم شهر ها ، لازم است که از محیط زیست محافظت نمایند و اجازه ندهند ، نه به خود و نه به هیچ کسی دیگر که به آن آسیب برساند.

سوم : گردشگری و مسافرت های غیر مجاز :

هر چند در آموزه های دینی اعم از آیات و روایات و سیره ی بزرگان دین ، بر مسافرت و گردشگری سفارش و تأکید شده است ، ولی در عین حال از بعضی مسافرت ها نهی شده است و این نیست ، مگر به خاطر آن ضرر و مفسده های مادی یا معنوی که دامن گیر مسافر خواهد شد؛ زیرا دستورات اسلام براساس مصالح و مفاسد واقعیه است و هرگاه از یک عملی نهی می کند ، معلوم می شود که در آن مفسده وجود دارد ، چنانکه از امر به یک کار، مصلحت آن فهمیده می شود . به بعضی از این مسافرت های غیر مجاز اشاره می کنیم :

۳ - ۱) گردشگری با ترس برتبهایی دین خود :

حفظ و نگه داری دین که مجموعه عقاید ، اخلاق ، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانها باشد (جوادی آملی ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۱۱) ، از منظر آموزه های دینی از اهمیت خاصی برخوردار است ، تا جایی که قرآن کریم صریحا به پرپایی دین دستور داده و از تفرقه و اختلاف نهی می کند: « أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَفَرَّقُوا فِيهِ ». (سوری / ۱۳) . و برای حفظ دین ، از همه چیز حتی از جان خود باید گذشت ، چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در ضمن سفارشات حکیمانه اش به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند : « وَ بَذَلْكَ مَالَكَ وَ دَمَكَ دُونَ دِينِكَ ، برای حفظ و نگهداری دینت مال و جانت را فدا کن ». (کلینی ، ۱۴۰۷ ، ج ۸ ، ص ۷۹) . همچنین از فرمایشات امام علی علیه السلام است که : « مالت را سپر جانت قرار ده و جانت را فدای دینت گردان ». (کلینی ، ۱۴۰۷ ، ج ۲ ، ص ۲۱۶) . و برای شناخت و فهم دقیق و درست دین ، باید مسافرت های طولانی کرد: « فَلَوْ لَا نَفَرَّ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَنْتَفِقَهُوا فِي الدِّينِ ... ». (توبه / ۱۲۲) .

با توجه به این اهمیتی که دین و دینداری دارد ، هرچیزی که باعث تضعیف ، سستی و ترک آموزه های دینی شود ، مورد مذمت و نهی قرار می گیرد ، از جمله مسافرت و گردشگری که موجب خوف بردین انسان شود ، از سفرهای غیرمجاز محسوب می شود و بایستی از آن اجتناب کرد. چنانکه امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: « لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ ... ، شخص نباید به سفری رود که در آن ، بر دین خود هراسان است ». (ابن بابویه ، ۱۳۶۲ ، ج ۲ ، ص ۶۳۰) .

بنابراین ، بایسته است که انسان برای مسافرت و گردشگری که برنامه ریزی می کند ، یکی از دغدغه های اصلی او در باره ی دین و اعتقادات و اخلاقی باشد که اگر در معرض خطر قرار می گیرد ، از آن گردشگری صرف نظر نماید ؛ زیرا براساس آموزه های دینی هلاک شده کسی است که دینش هلاک شود و غارت زده کسی است که دینش به غارت برود. (کلینی ، ۱۴۰۷ ، ج ۲ ، ص ۲۱۶). و حفظ دین بوسیله ای دنیا سود دین و دنیا را در پی دارد، اما حفظ دنیا بوسیله ای دین ، خسران و زیان هردو را به بار خواهد آورد. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ، ص ۳۰۳).

۳- ۲) گردشگری با ترس برترک نماز خود:

یکی دیگر از سفر و گردشگری های غیر مجاز ، سفری است که در آن ، انسان بر نماز خود خوف و هراس داشته باشد. چنانکه امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَصَلَاتِهِ ، كَسَى نَبَايِدَ بِه سَفَرِي رُودَ كَه دَر اَن بَر دِين وَنَمَاز خُود ، هِرَاسَان اَسْت.» (ابن بابویه ، ۱۳۶۲ ، ج ۲ ، ص ۶۳۰). با توجه به اینکه نماز هم یکی از دستورات دینی بلکه براساس روایات ، ستون و پایه دین است ، پس در کلمه دین داخل است ، اما اینکه امام علی علیه السلام نماز را به صورت جداگانه بعد از کلمه دین مطرح می کند ، اهمیت فوق العاده ی نماز را می رساند ؛ زیرا این قاعده پذیرفته شده است که ذکر خاص بعد عام ، دلیل بر مهم بودن آن خاص است.

بنابراین یکی از سفرهای غیر مجاز ، سفری است که در آن ، نماز انسان در خطر قرار بگیرد ؛ چرا که نماز ، سیمای مکتب حیات بخش اسلام و چهره ای دین است « وَجْهٌ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ » (کلینی، ۱۴۰۷ق ، ج ۳ ، ص ۲۷۰). اهمیت نماز ، آن چنان زیاد است که نسبت آن به دین مانند نسبت سر به تن است: «مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ». (پاینده ، ۱۳۸۲ ، ص ۷۷۸). برکسی مخفی نیست که تن بدون سر ، به هیچ عنوان نمی تواند به حیات خویش ادامه دهد ، همین طور دین ، بدون نماز نمی تواند نقش آفرینی لازم را داشته باشد.

با توجه به جایگاه والای نماز است که یکی از مهم ترین آداب و بایدهای مسافرت و گردشگری ، توجه و اهمیت دادن به نماز بیان شده است. چنانکه لقمان حکیم در ضمن سفارش به پسرش درباره آداب مسافرت ، چند بار از نماز سخن می گوید یکجا دستور می دهد: «نماز بسیار بگزار» (طبرسی ، ۱۴۱۲ق ، ص ۲۵۲). در جای دیگر می گوید: «پسرم! هرگاه وقت نماز فرا رسید آن را به هیچ عنوان به تأخیر نینداز و آن را به جا آور و آسوده شو؛ زیرا نماز دینی است برعهده ی آدمی...». همچنین یاد آور می شود: «هرگاه [درمنزلی] پیاده شدی پیش از نشستن دو رکعت نماز بگزار... و پیش از حرکت نیز دو رکعت نماز بگزار». (طبرسی ، ۱۴۱۲ق ، ص ۲۵۲). بنا بر این یکی از سفر و گردشهای غیر مجاز آن است که باعث آسیب دیدن نماز انسان بشود.

^۱ - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۷۰.

^۲ - ابو القاسم پاینده ، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله) ، ص ۷۷۸.

۳-۳) گردشگری با اذیت شدن پدر و مادر :

رعایت احترام و نیک رفتاری با پدر و مادر ، یکی از مهم و مؤکد ترین دستورات اسلام است ، به گونه ای که در چند جای قرآن کریم بعد از موضوع توحید و خدا پرستی ، به احسان و نیکی نسبت به پدر و مادر امر و سفارش شده است. (بقره/ ۸۳ ، نساء/ ۳۶ ، انعام/ ۱۵۱ ، اسراء/ ۲۳). در روایات نیز برای پدر و مادر حقوق و احترام ویژه بیان شده است (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۵۸ - ۱۶۵). از این رو، یکی از مسافرت و گردشگری که از منظر اسلام غیرمجاز است ، مسافرتی است که باعث اذیت و ناراحتی پدر و مادر شود.

در کتاب شریف اصول کافی روایتی را نقل می کند که مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرضه داشت : من به جهاد در راه خدا بسیار علاقه مندم ، حضرت فرمودند: در راه خدا جهاد کن ، اگر کشته شوی در واقع در نزد خدای سبحان زنده و مرزوق هستی ، اگر بمیری اجرو پاداشت برخداست و اگر زنده از میدان جهاد برگردی ، مانند روزی که از مادر متولد شدی، از گناه پاک می شوی ! آن مرد گفت : یا رسول الله ! من پدر و مادر پیری دارم که با من انس دارند و شرکت مرا در جهاد خوش ندارند ، حضرت فرمودند: فَقِرَّ مَعَ وَالِدَيْكَ فَوَ الْاَذَى نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَنْسَهُمَا بِكَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً خَيْرٌ مِنْ جِهَادِ سَنَةٍ ، در کنار پدر و مادرت بماند (و به جهاد نرو) سوگند به خدای که جانم در دست اوست ، یقیناً انس یک روز و شب آنها باتو، از نظر فضیلت از یکسال جهاد در راه خدا بهتر است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۰).

باتوجه به این روایت ، جهاد رفتنی که باعث اذیت و ناراحتی والدین شود ، مجاز نیست، رفتن فرزند به مسافرت و گردشگری که باعث ناراحتی و نارضایتی والدین شود ، به طریق اولی مجاز نخواهد بود .

۳-۴) سفرهای معصیت :

به طور کلی هر مسافرت و گردشگری که در آن با دستورات الهی مخالفت شود و از سفرهای معصیت به شمار رود ، از مصادیق سفرهای غیر مجاز به شمار می رود و آن توصیه و اثراتی که برای مسافرت های مجاز بیان شده است ، برای چنین سفرهای وجود ندارد. از این رو ، اگر کسی به سفر و گردشگری معصیت برود ، بایستی نمازش را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد. (حرعاملی ، ۱۴۰۹ ، ج ۸ ، ص ۴۷۶). سفرهای که برای : دزدی ، صیدهای لهو و لعبی ، ایجاد کینه و دشمنی بین مسلمانان ، سعایت و ضرر رساندن به مسلمانان ، همراهی و همکاری با حاکمان ظالم و جابر ، و... صورت بگیرد ، از مصادیق سفر و گردشگری های غیر مجاز به شمار می روند. (همان ، ص ۴۷۶ - ۴۷۸). این گونه سفر و گردشگری ها مورد نهی و مذمت اسلام است ، اگر کسی به چنین سفر و گردشگری های برود باید نمازش را تمام بخواند و روزه اش را هم در سفر بگیرد.

جمع بندی و نتیجه گیری :

از آنچه گفته آمد می توان به طور خلاصه نتایج ذیل را به دست آورد :

۱) آموزه های اسلامی برای مسافرت و گردشگری اهمیت ویژه قایل است و در آیات و روایات زیادی آن را مورد تشویق و تأکید قرار داده است. و برای پر بار ، شیرین و دل انگیز شدن گردشگری نیز ، راهکار های معقول و منطقی ارائه نموده است که در این نوشته از آن تعبیر به بایسته های گردشگری شده است.

۲) برخی از این بایسته های گردشگری مربوط به گردشگران است که رعایت این بایسته ها از سوی آنان مانند: خوش اخلاقی ، شوخ طبعی و همکاری با همسفران ، همچنین حفظ احترام متقابل ، حفظ اسرار سفر ، همدلی و مدارا با همسفران و ... ، تضمین کننده سلامت گردشگری و لذت بردن از آن است.

۳) رعایت برخی دیگر از بایسته های گردشگری از سوی شهرهای گردشگرپذیر ، در رونق بخشیدن به صنعت گردشگری و تبلیغ عملی آموزه های حیات بخش و انسان دوستانه ی اسلامی ، نقش برجسته دارد مانند: رفتار نیک و بشردوستانه با گردشگران ، احداث اقامتگاه و پارک و فضاهای سبز برای پذیرایی از گردشگران و سالم سازی محیط زیست و... که هر کدام از این موضوعات مورد تأیید و تأکید اسلام است .

۴) هرچند به طور کلی در آموزه های دینی به مسافرت و گردشگری توصیه و تأکید شده است ولی از برخی گردشگری ها نهی شده است مانند : گردشگری که باعث آسیب دیدن دین و نماز شود یا روابط خویشاوندی و اجتماعی آسیب ببیند مثل اذیت شدن پدر و مادر ، تقویت ظلم و ظالمین ، نادیده انگاشته شدن دستورات دینی و... که در این صورت از گردشگری های غیرمجاز می شود.



منابع:

۱. قرآن کریم ، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی .
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الأمالی (للصدوق)، تهران ، کتابچی ، چ ۶ .
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه ، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، چ ۲ .
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشرجهان، چ ۱ .
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال ، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری ، قم ، جامعه مدرسین ، چ ۱ ، ج ۲ .
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، المحاسن ، تحقیق و تصحیح جلال الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامیة ، چ ۲ .
۷. پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲) ، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص) ، تهران ، دنیای دانش ، چ ۴ .
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم ، تحقیق و تصحیح سیدمهدی رجایی ، قم ، دار الکتب الإسلامیة ، چ ۲ .
۹. جلال الدین سیوطی ، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۰۱)، الجامع الصغیر فی احادیث البشیرالنذیر، بیروت ، دارالفکر ، چ ۱ .
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، شریعت درآیینة معرفت ، تنظیم حمید پارسانیا، قم ، مرکز نشر اسراء ، چ ۱ .
۱۱. شریف الرضی ، محمد بن حسین (۱۳۸۳) ، نهج البلاغه ، ترجمه محمددستی ، قم ، انتشارات پارسیان ، چ ۵ .
۱۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة ، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، قم ، مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، چ ۱ .
۱۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲)، مکارم الأخلاق ، قم ، الشریف الرضی ، چ ۴ .
۱۴. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵)، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار ، نجف ، المكتبة الحیدریة ، چ ۲ .
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) ، تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان ، تهران ، دار الکتب الإسلامیة ، چ ۴ .
۱۶. کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰)، کنز الفوائد ، تحقیق و تصحیح عبدالله نعمه ، قم ، دارالذخائر ، چ ۱ .
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی (ط - الإسلامیة) ، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی ، تهران ، دار الکتب الإسلامیة ، چ ۴ ، ج ۲ ، ۸ ، ۶ .

۱۸. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، تحقیق و تصحیح حسین حسنی بیرجندی، قم، دارالحدیث، چ ۱.
۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، تحقیق و تصحیح جمعی از علما، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ج
۲۰. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ ۱.
۲۱. ورام بن ابي فراس، مسعود بن عيسى (۱۳۶۹)، مجموعه ورام، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چ ۱.
۲۲. الهمندی، علی المتقی بن حسام الدین (۱۴۱۳)، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، تصحیح: الشیخ صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، چ ۱.



